



بررسی فقهی و حقوقی «آثار نمایشی زیان بار برای کودکان»

دکتر محمد مهدی مقدادی^۱

چکیده

هنرهای نمایشی از تنوع، فراگیری و محبوبیت فراوانی برخوردارند و سهم زیادی از اوقات فراغت را به خود اختصاص می‌دهند. این‌گونه آثار امروزه، با اهداف و رویکردهای مختلف و در سطح وسیعی تولید و پخش می‌شوند و بخش عظیمی از بینندگان آنان، کودکان و نوجوانان‌اند که اغلب تحت‌تأثیر محتوای این آثار قرار می‌گیرند و در موارد زیادی به علت خشونت، افراط و بدآموزی موجود در آن آثار، روح لطیف‌شان آسیب‌دیده و دچار انحراف و زیان‌های جبران‌ناپذیری می‌شود. آموزه‌های دینی که همواره بر حفظ، تکریم و تربیت شایسته کودکان و بازداری آنان از انحراف و کج‌روی تأکید دارد، تولید و پخش این نوع آثار را برای کودکان ممنوع می‌شمرد. اما مهم، شناسایی معیارها و گستره این ممنوعیت و محدودیت است. در نوشتار حاضر با مراجعه به نصوص و قواعد فقهی، این مسئله تبیین و تحلیل شده و پس از بیان مضرات آثار نمایشی زیان‌بار برای کودکان، مبانی و قلمرو منع تولید و پخش این‌گونه آثار برای کودکان از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم‌السلام بررسی شده و هم‌چنین تولید و پخش آثار نمایشی زیان‌بار برای کودکان از دیدگاه مقررات بین‌المللی و داخلی مورد مطالعه و نقد قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: آثار نمایشی، کودک، خشونت، اضرار به کودک، کرامت، تربیت، مصلحت

مقدمه

با توسعه‌ی هنرهای بصری و آثار نمایشی و نیز گسترش و فراگیری رسانه‌های گروهی، هیجان، خشونت و هنجارشکنی در این آثار، توسعه فراوانی یافته و گروه‌ها و طیف‌های وسیعی را تحت تأثیر قرار داده است. آثار نمایشی گوناگون - به‌ویژه در قالب برنامه‌های پُربیننده رسانه‌ها - به شکل فزاینده‌ای، مخاطبین خود از جمله اطفال و نوجوانان را تحت تأثیرات منفی خود قرار می‌دهند، که از آن جمله می‌توان به خشونت، بد اخلاقی، مشکلات روانی و اجتماعی و انحرافات جنسی اشاره کرد. حتی برخی از این مشکلات در قالب برنامه‌های تولیدی خاص کودکان هم مشاهده می‌شود و متأسفانه نظام لازم و تدابیر مناسب برای استفاده اطفال و نوجوانان از آثار نمایشی و رسانه‌های مربوط تدوین و اتخاذ نگردیده و کودکان از این جهت هم‌چنان در معرض آسیب‌های فراوان هستند. البته تنها اقدام مثبت صورت‌گرفته در این باره، ایجاد نظام درجه‌بندی فیلم‌ها و تئاترها بوده که نخست در امریکا شکل گرفت^(۱) و اخیراً نیز دستورالعملی (دستورالعمل نظام درجه‌بندی سنی فیلم‌های سینمایی) توسط سازمان سینمایی ایران ابلاغ شده است.^(۲) اما این درجه‌بندی فاقد جامعیت و ضمانت اجرا، متوقف هم شده است.

به هرروی نظام حقوقی و تربیتی کودک در اسلام که مبتنی بر قواعد شریعت و آموزه‌های ارزشمند اهل بیت علیهم‌السلام است، به مثابه یک نظام کامل و بی‌بدیل، بر پایه لزوم حفظ کرامت و مصلحت و نیز تربیت شایسته کودکان و بازداری از هرگونه زیان و اضرار به آنان، تولید و پخش آثار نمایشی زیان بار را برای کودکان حرام و ممنوع می‌داند. اما مهم، شناسایی تفصیلی این مبانی و تبیین گستره این ممنوعیت و محدودیت براساس معیاری مشخص و قابل اجراست. مسئله‌ای که تاکنون در آثار علمی موردعنايت لازم قرار نگرفته است. این نوشتار با در نظر گرفتن این مسئله، تلاش خواهد کرد پس از بررسی پیامدها و مضرات

آثار نمایشی زیان بار برای کودکان، مبانی و مستندات فقهی منع و حرمت تولید و پخش این گونه آثار را بیان کند و سپس گستره و قلمروی این ممنوعیت را براساس شرایط و اقتضات کودک تبیین نماید. آن گاه مسئله را از دیدگاه مقررات بین المللی و داخلی مورد مطالعه قرار داده و نتایج و پیشنهادهای مطلوب را ارائه نماید.

گفتار یکم: آثار نمایشی مضرت بار برای کودکان

در این گفتار به اجمال مفهوم و گستره‌ی کودک‌ی مورد اشاره قرار می‌گیرد و سپس آثار نمایشی زیان بار و پیامدهای آن برای کودکان بررسی خواهد شد.

۱- کودک تحت حمایت

برای کودک، تعاریف مختلفی ارائه شده است. عدم انطباق این تعاریف با یکدیگر و تأثیر آن در میدان واقعیت و حمایت از کودک، اقتضا می‌نماید که محدوده کودک‌ی به درستی تبیین گردد؛ چراکه اهمیت دوران کودک‌ی هم به جهت پایه‌گذاری شخصیت فرد در این دوران است و هم به لحاظ ضرورت حمایت‌های خاص از کودک. از مهم‌ترین اسناد بین المللی در حوزه حقوق بشر نسبت به حقوق کودکان، پیمان نامه حقوق کودک است. مطابق ماده یک این پیمان نامه: «کودک به افراد زیر ۱۸ سال اطلاق می‌گردد، مگر این که طبق قانون قابل اجرا درباره کودک، سن بلوغ کم‌تر تشخیص داده شود.» البته این ماده صرفاً به پایان دوران کودک‌ی اشاره می‌کند و درباره شروع این دوران اشاره‌ای نشده است (۴)، اما باید دانست که به استناد آموزه‌های دینی از زمان بسته شدن نطفه و استقرار آن در رحم مادر، تا زمانی که کودک به حد بلوغ و کبر برسد، کودک اطلاق می‌شود. (۳)

تعریف کودک در اسناد دیگری نیز به چشم می‌خورد، به طوری که در بند پنجم از ماده‌ی ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز درباره مجازات اعدام تصریح می‌کند:

«حکم اعدام درباره جرایم ارتكابی اشخاص کم‌تر از ۱۸ سال صادر نمی‌شود...» هم چنین در «ماده ۱ قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی مصوب ۱۹۶۲ ژنو»، «ماده ۲ کنوانسیون بدترین شکل کار کودک» و براساس نظر سازمان بهداشت جهانی، لفظ کودک به افرادی گفته می‌شود که سن آن‌ها کم‌تر از ۱۸ سال باشد. (ایروانیان، ۱۳۸۸، ۳۲) بر این اساس با توجه به اسناد بین المللی مذکور این اتفاق نظر وجود دارد که به افراد کم‌تر از ۱۸ سال کودک گفته می‌شود.

در نظام حقوقی ایران (با وجود تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی) برای تعیین سن و مرز کودک‌ی و چگونگی تشخیص آن اختلاف نظر وجود دارد برخی کودک را «مترادف صغیر و بلوغ را

معیاری برای سنجش کودکی» تلقی می‌کنند (کشاورز، ۱۳۷۵: ص ۷۶) و برخی «رشد عقلی» را مرز اصلی کودکی دانسته‌اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ص ۴۰۶) در حالی که اهمیت دوران کودکی نیازمند ملاحظات حمایتی بیش‌تری است، لذا نمی‌توان نوجوان تازه‌بالغ شده را از این حمایت‌ها محروم ساخت و او را در ردیف اشخاص کبیر و شهروندان عادی قرار داد. از همین‌رو، سن ۱۸ سال به‌عنوان محدوده سنی برای حمایت از اطفال و نوجوانان پذیرفته شده است. بدین‌جهت در ماده ۲ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ نیز مقرر شده است: تمام افرادی که به سن ۱۸ سال تمام شمسی نرسیده‌اند، مشمول این قانون می‌باشند.^(۴)

۲- الب آثار نمایشی زیان بار و پیامدهای آن

در این قسمت ابتدا منظور از آثار نمایشی بیان می‌شود و سپس پیامدهای آثار نمایشی زیان بار برای کودکان مورد ارائه و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- آثار نمایشی

آثار نمایشی در زمره هنر قرار دارد و روشن است که هنر، ابرازی است مؤثر و پرشور که آدمیان را با هر ملیت و نژادی به یکدیگر پیوند می‌دهد و نیرویی ارزشمند است که به‌وسیله آن می‌توان از اندیشه‌ها و ظرفیت‌های ارزشمند انسانی برای بیان احساسات و وقایع، آگاهی‌بخشی، آموزش و تربیت، نشر معارف و گسترش اهداف والای انسانی چون عدالت بهره برد.

با آن‌که هنر دارای اقسام، رویکردها و قالب‌های متفاوتی است اما بخش جذاب و پرترفداری از هنر، در قالب هنرهای بصری و آثار نمایشی است که از بزرگ‌ترین گستره و بیش‌ترین مخاطب برخوردار است.^(۶) منظور از آثار نمایشی در این نوشتار، اثرهای هنری چون تئاتر، نمایش، سینما، موسیقی زنده، فیلم، انیمیشن است که معمولاً توسط رسانه‌ها و یا به شکل زنده و میدانی نمایش داده می‌شوند. این‌گونه آثار با فراگیری و تمایل اجتماعی زیادی همراه بوده و حجم زیادی از اوقات فراغت مردم را به خود اختصاص داده و همواره رو به گسترش‌اند. رسانه‌ها نیز تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از تولید یا پخش چنین آثاری و نیز بهره‌گیری از جلوه‌های ویژه، قهرمان‌سازی و صحنه‌های رویایی یا هیجان‌آمیز بر حجم مشتاقان و مخاطبین خود بیفزایند. عموم کودکان هم علاقه شدیدی به دیدن این‌گونه آثار دارند و آنان نیز هم‌ردیف والدین خود، بلکه بیش‌تر از آن‌ها وقت زیادی را به دیدن این آثار اختصاص می‌دهند و به‌شدت نیز متأثر می‌گردند. از این‌رو لازم است عواقب و پیامدهای این آثار نمایشی زیان بار برای کودکان بررسی و مشخص شود.

۲-۲- پیامدهای آثار نمایشی زیان بار برای کودکان

جای تردید نیست که هنر به مثابه يك حق برای کودکان محسوب می شود. این حق در راستای حق بر بازی، حق بر آموزش و تربیت و حق بر فرهنگ کودکان، دارای اهمیت و تأکید است و در رشد فکری و خلاقیت آنان نیز مؤثر است. از این رو هیچ کودکی نباید از این عامل مهم یادگیری، بالندگی و مهارت آموزی محروم بماند (مقدادی، ۱۳۹۵: ص ۱۱۵)

اما بسیاری از قالبهای هنری به سبب عدم رعایت شرایط و مقتضیات کودکان و بی توجهی به غبطه و صلاح آنان، خواسته و ناخواسته به آسیب و زیان بر آنان منجر می شوند که در این میان آثار نمایشی زیان بار جای بررسی و درنگ فراوان دارد. مسئله ای که به شدت سلامتی و رشد کودکان را تهدید کرده و در معرض مشکلات متعددی قرار داده است. با روشن شدن ضرر و آسیب ناشی از تولید و پخش آثار نمایشی، با قاطعیت می توان حکم به ممنوعیت و لزوم جلوگیری از این گونه آثار داد، چراکه در فقه ما به موجب ادله قطعی، ورود ضرر و زیان (بدون وجود مصلحت قوی تر)، نامشروع و ممنوع است. در ادامه پیامدهای ناگوار و زیان بار آثار نمایشی برای کودکان بیان می شود:

۲-۲-۱- ترویج خشونت

هم زمان با پیدایش و توسعه صنعت رسانه و آثار نمایشی، بحث خشونت نیز جلوه یافته و دستخوش تحولات و گسترش فراوانی بوده است. در هر دوره، انواع گوناگونی از آثار خشونت بار نمایشی وجود داشته و با وجود این به ندرت انتقادهای لازم درباره ترویج خشونت در آنها به گوش می رسد، از این رو نگرانی از خشونت در رسانه های تصویری هم چنان باقی است. (حاتمی، ۱۳۸۷: ص ۵۸) برخی از پژوهشگران بر این باورند که یکی از عوامل اصلی افزایش بروز خشونت، ناشی از گسترش نمایش آن در تلویزیون و فراوانی کلیپ های حاوی صحنه های کشتار، زد و خوردهاست که می تواند به منزله الگویی برای کودکان باشد. (توسلی و فاضل، ۱۳۸۱: ص ۱۱۶)

غالباً خشونت موجود در فیلم، تلویزیون، موسیقی و به طور کلی هرگونه آثار نمایشی زنده، شبیه به خشونت در زندگی واقعی نیست، علاوه بر آن خشونت موجود در آثار نمایشی ممکن است تعداد زیادی از افراد را دربر گیرد؛ درحالی که خشونت در نوع خود این گونه نیست. (قدمی، ۱۳۹۱: ص ۹۸) لیکن نگرانی این جاست که کودکان به آسانی اعمال پرخاشگرانه جدید را پس از فقط یک بار تماشای تقلید می کنند. بی گمان اگر الگویی برای اجرای اعمال ضداجتماعی تقویت شود، اعمال مشاهده شده در زندگی واقعی با فراوانی بیش تری تکرار خواهد شد. پژوهشگران معتقد هستند کودکان می توانند از طریق

مشاهده، رفتارهای ضداجتماعی هنرپیشگان را یاد بگیرند و ممکن است تحت شرایط مناسب، متمایل شوند که از آنها تقلید کنند. (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۴: ص ۶۸۸-۶۸۹)

متأسفانه این مسئله و توابع آن برای کودکان چندان مورد اهتمام قرار نمی‌گیرد و گاه حتی جاذبه و هیجان‌ات کاذب آن مورد توجه است. از این رو لازم است در این مجال به مهم‌ترین پیامدها و آثار ناشی از خشونت در فیلم‌ها و سایر آثار نمایشی برای کودکان اشاره کنیم:

۱. **آزار روانی:** ارمغان اصلی خشونت فیلم‌ها و آثار نمایشی نامناسب، آزار ذهنی و روانی کودکان است. خشونت روانی^(۷) یا آزار ذهنی «رفتارهایی است که نسبت به کودک صورت می‌گیرد و منجر به ورود آسیب به سلامت روحی، روانی و اخلاقی او می‌گردد یا احتمال بروز چنین آسیب‌هایی را ایجاد می‌نماید.» (ایروانیا، ۱۳۸۸: ص ۶۴) سازمان بهداشت جهانی در گزارش خود، آزار عاطفی کودکان را شامل اعمالی می‌داند که اثر منفی بر سلامت عاطفی و رشد فکری کودکان می‌گذارد. (Etienne, Linda L. Dahlberg, 2002: P. 60-61)

۲. **برانگیختگی:** تماشای برنامه‌های خشن آثار نمایشی می‌تواند کودکان را برانگیخته و آنها را هیجان‌زده کند. طبق این فرضیه، اگر کودکان در حال تماشای یک کمدی بسیار سرگم‌کننده باشند، این احتمال وجود دارد که برانگیختگی و هیجان خود را سرگرمی تعبیر کنند؛ اما اگر در حال تماشای برنامه‌ای باشند که دارای خشونت باشد، ممکن است برانگیختگی خود را خشم تعبیر کنند. (قدیمی، پیشین، ص ۱۰۳) تحقیقات ثابت کرده‌اند: هیجان‌زدگی خود موجب اختلال در یادگیری، مشکلات ارتباطی و مهارت‌های اجتماعی کودک می‌گردد. (محمودی و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۷۷)

۳. **حساسیت‌زدایی^(۸)** تماشای مداوم خشونت در آثار نمایشی منجر به کم‌شدن پاسخ عاطفی به خشونت موجود در اثر نمایشی و به نوعی بی‌قیدی و پذیرش هرچه بیش‌تر خشونت در زندگی واقعی شود. (گونتر و مک آلر، پیشین، ص ۱۴۶-۱۴۹) به بیان دیگر، دیدن مکرر صحنه‌های خشونت، منجر به کاهش حساسیت کودکان در برابر درد دیگران یا واکنش مناسب نسبت به خشونت می‌گردد و تحمل آنان را در برابر خشونت واقعی افزایش می‌دهد و خشونت در سطوح بالاتر را در زندگی واقعی پذیرا می‌شوند.

۴. **تقلید:** یکی از آثار خشونت موجود در آثار نمایشی بر کودکان، تقلید است، به طوری که آثار نمایشی ممکن است حالت پذیرش صرف و دل‌کنندگی از زندگی و واقعیت آن را در اطفال و نوجوانان به وجود آورد و ممکن است کودکان را به تقلید کودکان از اعمال خلاف که به‌کرات در برنامه‌های نمایشی مشاهده می‌کنند، تحریک کند و یا حتی

ممکن است احساس شرارت و خشونت را در آن‌ها تشدید و تقویت کند. (رشیدپور، ۱۳۸۰، ص ۷۹).

۵. وحشت و ترس: ازجمله مهم‌ترین تأثیرهای آثار نمایشی خشونت‌بار، رفتارهایی است که به صورت اضطراب و افسردگی در کودکان نمایان می‌شود، نمود چنین رفتارهایی را می‌توان ترس و وحشت کودکان قلمداد نمود؛ اطفالی که تماشاگر آثار نمایشی چه در قالب فیلم یا تئاتر یا حتی انیمیشن هستند، به دلیل محتوای خاص آن‌ها دچار وحشت و ترس می‌شوند و این می‌تواند مشکلات روانی زیادی -ازجمله انزوا و افسردگی- را برای آن‌ها ایجاد کند و یا تمایل درونی آن‌ها را به تهاجم و خشونت ارضا کند، و حتی مقدمه بزهکاری اطفال را در آینده فراهم نماید. (رشیدپور، ۱۳۸۰: ص ۸۰)

۲-۲-۲- تضييع حق بر سلامت و رشد

دومین پیامد ناگوار آثار نمایشی زیان‌بار، تضييع حق بر سلامتی و رشد کودکان است. با توجه به تحقیقات صورت‌گرفته، درگیر شدن کودک به تماشای آثار نمایشی کنترل نشده، به‌ویژه در رسانه‌های عمومی هم‌چون تلویزیون، منجر به عدم فعالیت و رشد مغزی و لطمه به سلامت جسمی و روحی آنان می‌شود؛ چون کودکان در چنین حالتی هیچ‌گونه تعاملی با هم‌نوعان خود ندارد. بی‌گمان عدم تعامل اجتماعی کودک در عدم توسعه مهارت‌های فردی مانند زبان، خلاقیت، مهارت‌های اجتماعی نقش مؤثری خواهد داشت. از سویی دیگر باعث افزایش مشکلات همچون بی‌اشتهایی، افسردگی و پرخاشگری می‌شود.^(۹)

نگرانی زمانی بیش‌تر می‌شود که با پیشرفت در حوزه سیستم‌های ارتباطی و فناوری، امروزه بسیاری از آثار نمایشی در فضای مجازی با استفاده از ابزارهایی چون تلفن‌های همراه برای کودکان قابل دسترس است و کودکان به شکل ماهرانه و مستقل و تحت تأثیر جذابیت‌های آن‌ها بیش‌ترین وقت خود را در این‌باره مصروف می‌کنند.

۲-۲-۳- تضييع حق بر آموزش

از دیگر آسیب‌های مطرح‌شده در تولید و پخش آثار نمایشی به‌ویژه در رسانه‌های دیجیتالی تأثیر آن بر عملکرد آموزشی کودکان است. طبق گزارشی، آثار نمایشی ارائه شده از طریق فناوری‌های نوین ارتباطی و دیجیتالی می‌تواند کودکان دانش‌آموز را در کلاس از لحاظ علمی ضعیف و منفعل نماید؛ به‌عنوان مثال مطالعاتی که در ۹۱ مدرسه در کشور انگلستان در میان کودکان رده سنی ۱۱ تا ۱۶ سال انجام شده حاکی از آن است که ممنوعیت در تماشای چنین آثاری از طریق تلفن‌های همراه تأثیر مثبتی بر نمرات آزمون‌های درسی آنان دارد. (Beland, Louis-Philippe, and Murphy, vol. 41, no. C, 2016: pp. 6 - 9) این نشان می‌دهد کودکانی

که از چنین سرگرمی‌های نمایشی بدون محدودیت و نظارت استفاده می‌کنند کم‌تر به خواندن درس و مطالعه کتاب می‌پردازند و دچار افت در یادگیری و آموزش می‌شوند.

۴-۲-۲- دگرگونی هنجارهای اجتماعی

در عصر کنونی دگرگونی ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و عقاید کودکان متأثر از رویکردهای فکری والدین و حتی رهبران مذهبی در جوامع نبوده، بلکه چنین تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از آثار نمایشی و تولیدی رسانه‌ها بوده است.^(۱۰)

بینندگان کم‌سن و سال آثار نمایشی نامناسب و خشن، ترغیب می‌شوند رفتارهایی را که از شخصیت‌های رسانه‌ای سر می‌زند، عیناً در عمل تکرار کنند. حال اگر رفتار شخصیت اصلی و محبوب در برنامه، یک رفتار زشت و خشونت‌آمیز باشد، آن‌ها نیز همان رفتار را تکرار می‌نمایند. (قاسمی، ۱۳۸۴: ص ۴۸) مطالعات بسیاری نشان می‌دهد که کودکان یا به‌طور مستقیم آن‌چه را از رسانه می‌بینند تقلید می‌کنند یا آن را به ذخیره الگوهای رفتاری خویش می‌افزایند. (کارلسون و فایلتزن، ۱۳۸۰: ص ۲۷۴) عده‌ای بر این عقیده هستند که وجود گسترش آثار هنری و نمایشی در جوامع معاصر، می‌تواند به‌عنوان یک الگوی پیش‌نمایش‌دهنده‌ای از توسعه‌ی فرهنگی تلقی گردد.^(۱۱) بدین‌سان آثار نمایشی تأثیر به‌سزایی در تغییر هنجارهای اجتماعی و ارائه الگوهای رفتاری به کودکان دارد.

۵-۲-۲- انحراف جنسی و بلوغ زودرس

متصدیان تولید و پخش آثار نمایشی، با هدف جذب مخاطب و سودآوری تلاش می‌کنند آثاری در قالب‌های پُرکشش و جذاب ارائه نمایند که یکی از قالب‌های پرطرفدار، آثار نمایشی در ژانر عاشقانه و رمانتیک است که بی‌گمان برای گروه‌های کودک و نوجوان زیان بار بوده و پیامدهای نامطلوبی بر جسم ظریف و روح لطیف آنان دارد.

متأسفانه بسیاری از آثار، از جمله فیلم‌ها با هدف به ابتذال کشاندن زندگی جوانان و ضربه به ارزش‌های دینی، به ارائه تصویر و موضوع‌های جنسی و هرزگی می‌پردازند و یا رفتارهای ناهنجاری مانند مراوده با جنس مخالف را تبلیغ می‌کنند.

از سوی دیگر گسترش رسانه‌های جمعی از جمله تلویزیون، اینترنت، تلفن‌های همراه موجب گسترش برخی آثار نمایشی با محتویات مربوط به پورنوگرافی کودکان، از جمله تولید، توزیع آن شده است. در حال حاضر، فضای مجازی بیش از یک میلیون تصویر از هزاران کودک را تحت آزار و اذیت جنسی قرار می‌دهد.^(۱۲)

این موضوع در ماده‌ی ۳۴ پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک نیز بیان شده است: «دولت‌های عضو متعهد شده‌اند که کودکان را در برابر همه اشکال بهره‌کشی جنسی و سوءاستفاده

جنسی محافظت کنند». (۱۳) با تأسف کودکان همواره در خطر تهدید سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند، در سال‌های اخیر با رشد روزافزون رسانه‌های ارتباطی بروز این پدیده علیه کودکان شکل تازه‌ای به خود گرفته است و حیطه گستردگی آن طیف وسیعی از کودکان را هدف قرار داده است و از سویی دیگر به یک تجارت غیرقانونی پر سود برای سرمایه‌گذاران در این عرصه تبدیل شده است.

گفتار دوم: بررسی فقهی تولید و پخش آثار نمایشی زیان‌بار کودکان

به لحاظ اصل اولی در فقه اسلامی، تولید و پخش آثار هنری از جمله آثار نمایشی برای اطفال و نوجوانان جایز بوده و حتی در صورت برخورداری از فواید تربیتی و فرهنگی می‌تواند مورد تأکید و حتی مستحب تلقی شود. اما محور بحث، آن دسته از آثار هنری است که نسبت به کودکان آسیب‌زا و زیان‌بار تلقی می‌شود. در گفتار پیشین برخی از پیامدهای ناگوار آثار نمایشی زیان‌بار برای کودکان بیان شد و اینک این پرسش مطرح می‌شود که مبنای فقهی حرمت و ممنوعیت تولید و پخش این‌گونه آثار چیست و این‌که قلمروی این ممنوعیت تا کجاست؟ آیا ضرر و زیان باید زیاد و در حال وقوع باشد یا احتمال ضرر، هرچند اندک نیز برای ممنوعیت کافی است؟ و آیا در این مسئله خصوصیات جسمی و روانی کودکان از جمله سن و جنسیت و ویژگی‌های روحی آنان تأثیر دارد؟

۱- مبانی و مستندات حرمت تولید و پخش آثار نمایشی زیان‌بار برای کودکان

کودک در شریعت اسلام و فقه اهل بیت علیهم‌السلام مورد عنایت و تأکید ویژه است؛ در این دیدگاه، کودکان امانت الهی هستند که به دلیل ظرافت و آسیب‌پذیری، همواره نیازمند مراقبت، حمایت و فراهم شدن شرایط مساعد و محیطی امن و مناسب برای رشد و شکوفایی می‌باشند. سلامت کودکان از جهات مختلف (جسمی، روانی، روحی و معنوی) باید مورد توجه باشد و هیچ‌گونه غفلت و بی‌مبالاتی در این باره قبول پذیرش نیست. در عصر حاضر کودکان به شدت در معرض انواع تهدیدها و آسیب‌ها قرار دارند و جای تأسف است که بسیاری آنان را هم‌ردیف بزرگسالان قرار می‌دهند؛ وضعیت و مصلحت اطفال و نوجوانان را درک نمی‌کنند، شرایط مناسب آن‌ها را در نظر نمی‌گیرند. از جمله این‌که در استفاده این گروه از آثار هنری و نمایشی بدون ملاحظه عمل کرده و کودکان را در کنار بزرگسالان در معرض هرگونه محصول هنری و اثر نمایشی قرار می‌دهند.

چنان‌که اشاره شد، بسیاری از آثار نمایشی برای کودکان آسیب‌زا و زیان‌بار است و بر پایه مبانی و مستندات تردید ناپذیر (حفظ کرامت، لزوم تربیت و منع اضرار به کودک) می‌توان ممنوعیت و حرمت شرعی این مسئله را ثابت کرد.

۱-۱- حفظ کرامت و مصلحت کودک

کرامت در لغت، اسم مصدر از صیغه‌ی «اکرام» (ابن عباد، ۱۴۱۴ق: ذیل واژه الکرامه) و به معنای شرافت و بزرگی است. بر پایه آموزه‌های دینی از جمله نص قرآن کریم (آیه‌ی ۷۰ سوره اسراء) خداوند به فرزندان آدم کرامت ذاتی بخشیده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاَهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ»؛ یعنی ما بنی آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم.

پس از آغاز خلقت، سرشت انسان با کرامت عجین بوده است و خداوند بر همه‌ی انسان‌ها فارغ از سن و جنس و نژاد و هر طیف اعتقادی و فرهنگی، لباس کرامت پوشانده شده است.

کرامت ذاتی به معنی عزت و بزرگواری، درک عظمت و پرهیز از حقارت و مهانت نفس است، از این رو، کرامت انسان همان ارزش ذاتی اوست. (مطهری، ۱۳۷۷: صص ۴۸۲-۴۸۱ و ص ۴۹۲) بدین جهت حضرت امیر علیه السلام در باب کرامت نفس و ارزش والای آن می‌فرماید: «وَأَكْرِمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ ذَنْبَةٍ وَإِنْ سَأَقْتِكَ إِلَى الرَّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاَصَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» نفس کریم خویش را از هرگونه پستی بازدار، هرچند تو را به اهداف رساند؛ زیرا نمی‌توانی به اندازه‌ی آبرویی که از دست می‌دهی بهایی به دست آوری. برده‌ی دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است. (سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱) با جست‌وجو در کلمات فقها مشاهده می‌شود که در موارد مختلفی از کرامت (قاعده کرامت)، به عنوان دلیل فقهی استفاده شده و آن را از موجبات احکام الزامی تلقی کرده‌اند. به جهت تقریب به ذهن، برخی موارد اجمالاً ذکر می‌شود:

۱. برخی از فقهیان، هنگام بحث از طهارت یا نجاست اهل کتاب، به آیه‌ی شریفه ۷۰ از سوره اسراء که پیش از این بیان شد، استناد کرده‌اند و بدین ترتیب آنان را طاهر دانسته‌اند. (سیوری حلی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۱۴۴؛ جزیری، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۶۴) به این معنا که اصل و خلقت انسانی بر طهارت و پاکی است مگر آن‌که دلیلی برخلاف آن ثابت شود و افرادی را نجس معرفی کند؛ زیرا خداوند ذات انسان را بر کرامت خلقت نهاده و کسی که با کرامت و ارزش آفریده شده، نمی‌تواند نجس و پلید باشد. بدین ترتیب نجاست افراد، منحصر در کفار غیرکتابی خواهد بود. (طهارت یکی از آثار کرامت)
۲. برخی دیگر از بزرگان فقه نیز با استناد به این آیه شریفه و سایر ادله، مخالفت اسلام با تکثیر و افزایش برده‌داری را اعلام می‌دارد. (عاملی، ۱۴۱۰ق: ج ۶، ص ۲۲۱) به این معنا که کرامت انسانی و عدالتی که اسلام بر آن پای فشاری می‌کند، مستند به امثال این آیه شریفه است و اثبات کرامت برای انسان، آثاری فقهی بر آن مترتب است و یک مبحث اخلاقی صرف نیست.

۳. تعذیب، شکنجه و آزار انسان نیز به حکم این آیه شریفه، غیرمجاز و حرام دانسته شده؛ زیرا انسانی که خداوند او را با ارزش و کریم قرار داده و شأن و فضل و او را برتری داده، برای هیچکس جایز نیست که او را اهانت کند، شکنجه دهد، تخویف کند و بترساند؛ چون این امور با کرامت و شرافت انسان تنافی دارد. (حسینی، بی تا: ص ۱۱۷)
۴. انسان نوعاً دارای مصونیت است که از این آیه شریفه (کرامت) به دست می آید. این نوع مصونیت موجب می شود برخی از امور که مستلزم هتک حرمت اوست، از ناحیه شرعی، ممنوع باشد. (بحرانی، ۱۴۲۳ق: ص ۸)
۵. استنساخ و شبیه سازی از انسان به نظر برخی، موجب وهن و بی احترامی انسان است و باتوجه به آیه شریفه، ممنوع است. (سبزواری، ۱۴۲۳ق: ص ۱۷۳)
۶. برخی از معاصرین، به صراحت، آیه شریفه را که بیانگر کرامت ذاتی انسان است، مقتضی حقوقی اساسی و فطری می دانند. (منتظری، ۱۴۲۹ق: ص ۷۱)
- این موارد و سایر مواردی که به صورت پراکنده در کلمات فقها ذکر شده، موجب اثبات قاعده کرامت انسان به عنوان یک قاعده‌ی فقهی است که اختصاص به موارد گفته شده هم ندارد.
- بی گمان از نظر اسلام، کودکان هم از حق کرامت و شرافت ذاتی برخوردارند. از این رو بر پایه کرامت بسیاری از حقوق و حمایت‌های کودک قابل استخراج و اثبات است. بدین سان می توان نتیجه گرفت والدین و سرپرستان و مسئولین جامعه باید هر یک به موجب مسئولیت خود، هر امری که مقتضای کرامت طفل است (اعم از سلامت، تربیت، آموزش) و خیر او را در بردارد، فراهم نمایند و از عملی که موجب خدشه به کرامت اوست، اجتناب ورزند. از همین جهت در اسلام به تکریم و رفتار مناسب با کودکان توصیه شده است؛ خداوند کسانی که کودکان را تکریم نمی کنند، سرزنش کرده و در آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی فجر می فرماید: «بلکه یتیم را گرامی نمی دارید.» چنان که با تعمق در سیره معصومین علیهم السلام لزوم توجه به کرامت کودکان و تأکید بر حفظ شرافت انسانی آنان کاملاً مشخص می گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «اَكْرِمُوا اَوْلَادَكُمْ وَ اَحْسِنُوا اَدَابَهُمْ يَغْفِرْ لَكُمْ»؛ یعنی فرزندان خود را تکریم کنید و به آن‌ها آداب نیک بیاموزید تا آمرزیده شوید. (طبرسی، ۱۳۷۰: ص ۲۲۲)
- در شرع مقدس اسلام، از نام گذاری صحیح کودکان گرفته تا لزوم برخورد صحیح در روابط خانوادگی بر این مهم استوار است؛ کرامت کودک اقتضا دارد که گوهر وجودی او به درستی حفظ و پرورش یابد و هرچه خیر و صلاح او را دربر دارد انجام شود و از هرگونه لغزش و انحراف و آسیب مصون داشته شود. بر همین مبنا، هرگونه زیان و آسیب به کودکان مانند اذیت و آزار آنان (اعم از جسمی، عاطفی و روانی)، غفلت و سهل انگاری نسبت به سلامت کودکان، ممنوع است.

از سوی دیگر در کنار حفظ کرامت کودک، رعایت مصلحت او نیز از تکالیف والدین، سرپرستان و مسئولین جامعه اوست. همان‌گونه که بسیاری از فقهیان ابراز داشته‌اند، درمورد هر کار و اقدامی برای کودکان، ولی و سرپرست او صلاح، غبطه و مصلحت او (مولی علیه) را منظور نماید و نباید عملی را برخلاف مصلحت و غبطه او انجام دهد (عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ص ۳۳) این خود نشان می‌دهد که درمورد دسترسی و استفاده کودکان از آثار نمایشی زیان بار هم ولی و سرپرست وی باید با دقت و مراقبت در جهت رعایت مصلحت کودک تلاش نماید و هر آن‌چه در خلاف آن و یا دربردارنده مفسده و مخاطره وی باشد را ممانعت نماید. باید دانست که حفظ کرامت و مصلحت کودکان محدود به قلمرو خانواده و مختص به والدین و اولیا نیست، بلکه در جامعه نیز حکومت اسلامی به نوع دیگری در برابر آنان مسئولیت دارند.^(۴۱)

۲-۱- وجوب تربیت کودک

کرامت کودک اقتضا دارد که زمینه‌ها و شرایط لازم برای رشد و کمال وی فراهم شود و شخصیت او در بُعد روحی و اخلاقی پرورش یابد. کودکان ارزشمندترین و ظریف‌ترین امانتی است که خداوند به والدین و جامعه سپرده و از این‌رو وظیفه دارند که این بار مسئولیت را با مطلوب‌ترین روش‌ها حفظ و نگهداری کرده و به سرمنزل مقصود برسانند.

شخصیت و تربیت فرزندان از همان دوره‌ی کودکی و خردسالی، شکل می‌گیرد و در سنین مختلف ابعاد بیش‌تری را شامل می‌شود. پدر و مادر، مربیان، آموزش‌گران و تمامی آحاد جامعه و دولت در برابر تربیت، تکریم و تعالی آنان مسئول هستند و باید وظایف خود را به درستی در این باره ایفا نمایند^(۱۵) و یکی از مهم‌ترین وظایف، حفظ و مراقبت از آنان در برابر آسیب‌ها و زیان‌ها و جلوگیری از انحراف و کج‌روی این سرمایه مهم انسانی است.^(۱۶)

البته بار اصلی این مسئولیت برعهده‌ی والدین است خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْأَجْرَارُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم، ۶)؛ یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌ی خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آن‌چه را فرمان داده شده‌اند [به‌طور کامل] اجرا می‌نمایند. این آیه به‌روشنی وجوب تربیت کودکان را ثابت می‌کند.^(۱۷)

این آیه شریفه، وظیفه هر شخص را تقوا در برابر گناهان و دستور به اهل و خانواده (شامل فرزندان) برای ترک معاصی دانسته است. به تعبیری علاوه بر آن‌که شخص باید

خود را از گناهان مصون بدارد، باید در تربیت فرزندان، توصیه و ارشاد خانواده نهایت کوشش را داشته باشد. تربیت دینی به این معناست که از آسیب‌های فردی و اجتماعی که می‌تواند دامن‌گیر اعضای خانواده باشد، جلوگیری کند. باتوجه به این‌که به نمایش در آوردن آثار زیان‌بار، اثراتی بر کودکان دارد که مقتضی معصیت و عدم تقوا است، به حکم این آیه شریفه ممنوع است. از این‌رو، تکلیف والدین و سرپرستان کودکان در این باره مشخص می‌شود.

بدین‌سان هر عمل یا اقدامی که مانع رشد و موجب زیان یا انحراف کودکان باشد، فروگذاری از وظیفه تربیت و تعالی کودک است و بی‌تردید ممنوع است و به‌طور خاص خانواده مسئولیت دارند که آنان را در برابر این تهدیدها و آسیب‌ها حفظ و حمایت نمایند و از خطرات مصون دارند. یکی از مصادیق آسیب‌ها، آثار نمایشی زیان‌بار برای اطفال و نوجوانان است که بر اساس وظایف والدین، مربیان و مسئولان در برابر حق تربیت و سلامت معنوی کودکان، مورد اهتمام جدی قرار گیرد.

۳-۱- حرمت اضرار به کودک

بر پایه‌ی حکم عقلی و موازین شریعت اسلامی از جمله قاعده‌ی لاضرر^(۱۸) هرگونه اضرار و آسیب‌رسانی -اعم از زیان جانی، مالی یا معنوی- به هر انسانی ممنوع و حرام است. از آن‌جا که کودکان، لطیف‌ترین گل بوستان بشریت هستند که اسلام نیز توجه ویژه‌ای به آنان نموده، آسیب و زیان زدن به کودکان از حساسیت و منع مؤکدی برخوردار است. یکی از بزرگ‌ترین گناهان، آزار و ستم به افراد ضعیف و بی‌گناه است؛ کسی که هیچ پناهگاهی جز خداوند ندارد. در حدیث نبوی آمده است: «أَنَّهُ قَالَ: «قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: اِشْتَدَّ غَضَبِي عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَحَدًا لَا يَجِدُ نَاصِرًا غَيْرِي.»» خداوند می‌فرماید: شدیدترین غضب من بر کسی است که مرتکب ظلم و ستم به فردی شود که غیر از من یاری ندارد. (کنز العمال: ۵۷۶۰)

مطابق این ادله، ممنوعیت اضرار، شامل همه افعال و همه افراد شده، از این‌رو پخش (به‌معنای مشاهده) این‌گونه نمایش‌ها را برای کودکان و هر فردی که برای او مضر بوده و آثار نامطلوبی بر او داشته باشد، ممنوع است. اما این‌که تولید و عرضه این آثار نیز به اقتضای ادله قاعده‌ی لاضرر ممنوع باشد، محل تردید است؛ زیرا قاعده لاضرر به مواردی اختصاص دارد که به‌طور مستقیم به شخص یا اشخاصی ضرر وارد کرده و او به شکل ناگزیر، از رفتار او متضرر شود، اما تولید و عرضه‌ی این‌گونه فیلم‌ها به‌خودی‌خود ضرری بر شخصی که می‌خواهد آن را مشاهده نماید وارد نمی‌کند بلکه مشاهده‌ی آن موجب ضرر است که شخص یا ولی او اقدام به آن می‌کنند.

البته باتوجه به این که قاعده لاضرر در نظر برخی از فقها، از احکام سلطانی است و می توان با آن ممنوعیت اضرار مردم به یکدیگر را اثبات نمود تا در نتیجه بر حاکم لازم باشد از اضرار افراد به دیگران جلوگیری کند. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص ۷۱) در این صورت می توان تولید و توزیع آثار نمایشی زیان بار را به جهت ضرر اجتماعی مترتب بر آن و ایجاد مفاسد مختلف، ممنوع دانست. به ویژه بنابر نظر برخی از فقهایان که قاعده لاضرر را اعم از نفی حکم ضرری شخصی و نوعی می دانند. (محقق داماد، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ص ۱۵۰) علاوه بر آن که به جهت ادله ی دفع مفسده و به موجب مفاسدی که بر تولید و عرضه این آثار، بار می شود، آن را حرام و محظور دانست.

به هر روی، در آموزه های اسلامی و احادیث اهل بیت علیهم السلام مطالب فراوانی^(۱۹) در این باره وجود دارد که در مجموع نشان از اهمیت حفظ کودک در برابر مخاطرات و حرمت زیان رسانی به آنان دارد.

بدین ترتیب اموری که به هر شکل موجب آسیب و زیان به جسم، روان و روح کودک می شود، ممنوع است و باید از آن جلوگیری شود که یکی از مصادیق آن تولید و پخش آثار نمایشی زیان بار برای کودکان است.

۲- قلمروی ممنوعیت تولید و پخش آثار نمایشی زیان بار برای کودکان

چنان که گفته شد بر پایه ی حفظ کرامت و مصلحت کودک و تربیت و تکریم مطلوب و ممانعت از هرگونه آسیب و ضرر به وی، اختصاص آثار نمایشی زیان بار برای کودکان - اعم از تولید، توزیع و پخش - ناروا و ممنوع است. لیکن به دلیل تنوع آثار نمایشی و منافع و مضرات آن، نمی توان بر پایه مستندات و مبانی ارائه شده، به روشنی موضع شرع مقدس را ترسیم کرد؛ چه بسا یک اثر نمایشی برای یک محدوده ی سنی یا یک گروه جنسی از کودکان مضر و برای برخی دیگر از جمله نوجوانان غیر زیان بار باشد.

بنابراین این پرسش مهم مطرح می شود که: قلمروی این منع و حرمت تا به کجاست؟ در پاسخ باید به محوریت مصلحت و غبطه کودک اشاره کرد؛ زیرا همان گونه که پیش تر اشاره شد، براساس قواعد و موازین فقه اسلامی، کلیه اقدامات مربوط به کودکان، خواه امور مالی و خواه امور غیرمالی، باید در جهت حفظ صلاح و مصلحت آنان باشد. والدین، اولیا، سرپرستان، مربیان و هرکسی که به نوعی مسئول امور کودک است باید خیر و صلاح کودک را محور اصلی و تعیین کننده تدابیر و اقدامات خود قرار دهد.

باید دانست که منظور از «مصلحت» جلب منفعت و دفع ضرر نیست؛ بلکه مصلحت در مقابل مفسده قرار دارد، یعنی چیزی است که در مجموع برای انسان خیر و مفید است. اهل سنت درباره این مفهوم می‌گویند: مصلحت یعنی تأمین هدف و مقاصد شارع و مواظبت بر دین و جان و عقل و نسل و مال انسان. (غزالی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۲۷۸) بی‌گمان، هر سود و منفعتی را نمی‌توان مصلحت به شمار آورد، بلکه آن چیزهایی مصلحت هستند که شارع آن‌ها را مورد توجه قرار داده است. چه بسا منفعت به فایده شخصی و زودگذری که در بردارنده‌ی خیر و مصلحت نیست هم اطلاق شود و از این رو باید توجه داشت که نسبت بین این دو (منفعت و مصلحت) عموم و خصوص من وجه است. (مقدادی، ۱۳۹۵: ص ۲۰۲) در آیه مبارکه ۲۲۰ سوره بقره خداوند متعال می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ»؛ و از تو درباره یتیمان سؤال می‌کنند، بگو: اصلاح کار آنان بهتر است. از این آیه‌ی شریفه چنین استفاده می‌شود که خداوند به مؤمنین اجازه داده در امور ایتام به شرط رعایت مصلحت اقدام و مداخله گردد. (شیخ طوسی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۲۱۵) هم‌چنین در قرآن کریم آمده است: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ هرگز به مال یتیم نزدیک نشوید (هیچ‌گونه دخل و تصرفی در آن نداشته باشید) مگر به‌صورتی که بهتر از آن نباشد (رعایت بالاترین مصلحت). در روایات متعددی نیز در این باره وجود دارد که بیان آن در این مجال نمی‌گنجد. به‌عنوان نمونه می‌توان به فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره کرد که به حضرت امیر علیه السلام چنین سفارش می‌کند: «يَا عَلِيُّ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَآدَبَهُ وَيَضَعَهُ مَوْضِعاً صَالِحاً»؛ ای علی حق کودک بر والد خویش این است که اسمی نیکو برای او انتخاب کند و تربیتش کند و او را در وضعیتی شایسته قرار دهد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۴، ص ۵۸)

بدین‌سان می‌توان اذعان نمود که حکمت جعل ولایت بر کودکان برای اولیا، سرپرستان و حتی حاکم اسلامی، در راستای جلب صلاح و مصلحت و دفع ضرر و تباهی از آنان است و جای تردید نمی‌ماند که رعایت غبطه و صلاح الزامی است و تنها معیار و مرزی است که تدابیر اولیاء و سرپرستان کودک را تعیین و محدود می‌سازد؛ بر همین اساس، ولی و سرپرست کودک و هر شخصی که به‌نوعی عهده‌دار امور کودک است، باید با اذعان این مصلحت و در نظر گرفتن منافع و مضرات و نیز وضعیت رشد و تکامل شخصیت وی و با آگاهی از نیازها و شرایط سنی و روحی او، امور و مسائل مربوط به وی را تدبیر و سامان‌دهی کند؛ آن‌چه به صلاح اوست -هم‌چون بازی‌های مناسب، ارتباطات شایسته و امور معنوی- را فراهم نماید و آن‌چه مخالف خیر و مصلحت اوست -مانند ارتباطات ناشایست، سرگرمی‌های مضر و آثار نمایشی زیان‌بار- را منع یا محدود سازد و بی‌گمان صلاح‌اندیشی شایسته در هماهنگی با احکام شریعت و الزام‌های آن و در نظر گرفتن امور

متعارف و به‌ویژه نظر خبرگان و کارشناسان شکل می‌گیرد.

هم‌چنین در صورت استناد به قاعده لاضرر، باتوجه به برخی مبانی که پیش‌تر اشاره شد - و خالی از قوت نیز نیستند - ضرر شامل زیان شخصی و نوعی است. به این معنا که اگر امری نوعاً دارای ضرر باشد اما به‌حسب اتفاق، به شخصی از اشخاص جامعه ضرری وارد نکند، در این صورت نیز این اقدام ممنوع است. با پذیرش این مبنا، تولید و عرضه آثار نمایشی زیان بار برای کودکان، به‌حسب این‌که نوعاً دارای ضرر است، مشمول قاعده می‌گردد. به این صورت که اگر محدوده مخاطبین در این آثار، مشخص نشود و به شکل عام عرضه گردد، در حقیقت زمینه ایجاد خطر را در کودکان ایجاد کرده است، حتی اگر هیچ کودکی آن اثر را مشاهده نکند. هم‌چنین باتوجه به معیار فوق، اگر نمایشی نوعاً مضر بود و کودکان بسیاری، این نمایش را مشاهده کردند اما بر آنان اثر منفی نگذاشت، این نمایش، باز هم مشمول قاعده لاضرر است؛ چون خود نمایش، دارای ویژگی اضرار است. با در نظر گرفتن این توضیحات، احتمالی بودن ضرر نیز در صورت تحقق ضرر نوعی، می‌تواند مانع از تولید و پخش آثار نمایشی زیان بار تلقی گردد، گرچه با تغییر مخاطبین مورد نظر در تولید این آثار، ضرر نوعی نیز می‌تواند دگرگون شود؛ به‌عنوان مثال، اگر یک نمایش برای کودکان بالای ده سال تولید شود، در این صورت اگر به پردازش کارشناسان، این اثر برای همین محدوده سنی، نامناسب باشد و به‌عمد یا اشتباه چنین محدوده‌ی نادرستی، مشخص شده باشد، حال آن‌که مخاطب مناسب برای آن افراد بالای ۱۵ سال باشند، در این صورت، مشمول قاعده نفی ضرر است. در این مثال هرچند این نمایش، مضراتی برای کودکان زیر هفت سال داشته باشد، اما باتوجه به ایجاد محدوده‌ی سنی، در حقیقت ضرر نوعی را برای این افراد مشخص کرده و به آنان هشدار داده است و این احتمال که کودکان با سنین هفت سال به پایین، این اثر نمایشی را مشاهده کنند، نمی‌تواند گریبان‌گیر تولیدکننده و عرضه‌کننده آن باشد. این امر در تطبیقات قاعده لاضرر، اتلاف، تسبیب و مانند این، که از قواعد مشابه لاضرر هستند، دارای نمونه‌های مختلفی است.

البته گفتنی است گاه یک اثر از حیث محتوا، قطعاً دارای مخاطبین کودک است، در این صورت، اعلام محدوده برای مخاطبین نمی‌تواند دستاویزی برای خروج از قاعده لاضرر باشد و قطعاً تولیدگر آن مسئولیت دارد.

درنهایت، تعیین سنین مناسب برای هر محتوا، امری دشوار است که نیاز است به‌حسب رویکرد اجتماعی حاکم و با توجه به تفاوت‌های فرهنگی هر منطقه، ناظر به شرایط متفاوت هر دوران، معیارهایی در محدودیت‌های سنی آثار هنری و نمایشی لحاظ گردد.

گفتار سوم: تولید و پخش آثار نمایشی زیان بار برای کودکان از دیدگاه مقررات بین‌المللی و داخلی

نظام حقوقی و تربیتی کودک بر پایه فقه اسلامی بسیار جامع و عمیق است و بر پایه آن می‌توان تمام حقوق و احکام کودکان در عرصه‌های مختلف -از جمله مسئله این نوشتار- را بدون هیچ کاستی و ابهامی تبیین و ترسیم نمود. در حالی که در مقررات بین‌المللی و نظام بین‌الملل حقوق بشر با وجود تحولات و اقدامات وسیع در زمینه حقوق کودک، کاستی‌ها و حتی ابهام‌ها و تعارض‌های متعددی مشاهده می‌شود. هم‌چنان که در نظام حقوقی کشورمان نیز خلأهای فراوانی وجود دارد و مقررات ما به‌خوبی از توانمندی‌های فقه و آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام بهره‌مند نشده است. به‌هرروی در این مجال تولید و پخش آثار نمایشی زیان بار برای کودکان از دیدگاه مقررات بین‌المللی و داخلی مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد.

۱- مقررات بین‌المللی

در این قسمت تنها به آن دسته از اسناد و مقررات بین‌المللی اشاره می‌شود که می‌تواند مستند منع تولید و پخش آثار نمایشی زیان بار برای کودکان باشد.

۱-۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر^(۱) به‌عنوان اولین دستاورد کمیسیون حقوق بشر با حضور بیش از پنجاه کشور بدون هیچ‌گونه رأی مخالفی، همراه با گسترده‌ترین تنوع ایدئولوژیکی و فرهنگی در سی ماده، به تاریخ دهم دسامبر سال ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید. این اعلامیه بر «کرامت انسانی» استوار بوده و ارزش‌هایی همچون: آزادی، برابری، عدالت و صلح در واقع اساس حقوق انسانی مطرح شده در آن را نشان می‌دهد. از آن روی براساس چنین مبنا و شالوده‌ای، اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان سندی مرجع در عرصه‌ی بین‌الملل می‌تواند به‌نوعی حامی حیثیت و شخصیت افراد در تمام محیط‌های اجتماع تلقی شود و بی‌شک کودکان به‌عنوان افرادی آسیب‌پذیر از حمایت افزون‌تری برخوردار خواهند بود.

با این‌وجود اگرچه اعلامیه به صراحت در مورد خشونت در اجرای هنرهای نمایشی سخنی به میان نیاورده است، ولیکن می‌توان این‌چنین ممنوعیتی را در برخی از مواد آن به دست آورد. از میان مواد مورد اشاره در اعلامیه می‌توان به ماده‌ی ۵ اشاره نمود: «هیچ‌کس را نمی‌توان شکنجه یا مورد مجازات یا روش‌های وحشیانه و غیر انسانی یا اهانت‌آمیز قرار داد.»^(۲) در این اعلامیه اگرچه با وجود واژه «هیچ‌کس» در قالب یک بیان

کلی مصادیقی از اعمال خشونت‌آمیز را بر افراد، بدون هیچ‌گونه احصا و تفکیکی در میان بزرگسالان و کودکان و هم‌چنین با عدم اشاره به محیط‌های خاصی از اجتماع، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که کودکان نباید در اجرا یا تماشای هنرهای نمایشی مورد هیچ‌گونه رفتار خشونت‌آمیز و غیر انسانی قرار بگیرند.

از سویی دیگر در ماده‌ی ۳ این اعلامیه این‌گونه بیان شده که: «هرکس حق دارد از زندگی و آزادی و امنیت شخصی برخوردار باشد.»^(۲۳) در این ماده اعلامیه از «امنیت شخصی افراد» سخن گفته است، به این صورت که افراد بایستی در هر مکانی که حضور دارند باید احساس امنیت نموده یعنی از بروز تعرضات و تهدیدهای احتمالی در امان باشد. بنابراین زمانی که کودک در اجرای یک برنامه هنری از قبیل سینما یا تئاتر حضور پیدا می‌کند، باید اطمینان حاصل گردد که هیچ‌گونه تصاویر خشونت‌آمیزی وی را تهدید نمی‌نماید.

۲-۱- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مشتمل بر ۵۳ ماده در دسامبر سال ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید.^(۲۳) اگرچه در این سند بین‌المللی به صراحت در رابطه با این موضوع صحبت نشده است؛ ولی چنین ممنوعیتی را می‌توان از ماده‌ی ۷ این میثاق به دست آورد. این ماده بیان می‌دارد که: «هیچ‌کس نباید در معرض شکنجه یا رفتار تحقیرآمیز و مجازات غیر انسانی قرار بگیرد...»^(۲۴) همان‌طور که قبلاً اشاره شد، واژه‌ی «هیچ‌کس» در این ماده به صورت مطلق و کلی به کار رفته و شامل افراد آسیب‌پذیری هم‌چون کودکان هم خواهد شد. کمیته حقوق بشر در تفسیر خود از این ماده این‌گونه بیان می‌دارد که «هدف از مفاد این ماده را حفاظت و حمایت از کرامت و تمامیت جسمانی و روانی افراد دانسته و دولت‌ها را هم موظف به اتخاذ تدابیر و اقداماتی در جهت منع هرگونه مجازات و رفتار غیرانسانی می‌داند... هم‌چنین این کمیته بیان می‌دارد که ممنوعیت هرگونه مجازات در این ماده فقط شامل اعمالی که صرفاً ایجاد درد فیزیکی نماید نیست، بلکه آسیب‌های روانی را هم شامل می‌شود.»^(۲۵) از جمله مهم‌ترین آسیب‌ها علیه کودکان در برابر هنرهای نمایشی آکنده از محتوای خشونت و آسیب روانی است. بنابراین با تفسیر و تبیین این ماده در راستای نظرات کمیته حقوق بشر، باید این چنین نتیجه گرفت که کودکان بر پایه‌ی حفاظت از کرامت و شخصیت انسانی آنان در هیچ محیطی از اجتماع به‌ویژه در اجرای هنرهای نمایشی نباید مورد هیچ‌گونه رفتار خشونت‌آمیزی قرار بگیرند.

۳-۱- کنوانسیون حقوق کودک

پیمان‌نامه حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ در مجمع عمومی سازمان ملل توسط ۱۹۲ کشور به

تصویب رسیده است.^(۲۶) این پیمان نامه از جمله گسترده ترین و جامع ترین سند بین المللی در حال حاضر نسبت به حمایت از کودکان در تمام ابعاد زندگی آنان به شمار می آید. در بند ۱ ماده ۱۹ کنوانسیون مقرر شده است: «دولت های عضو کلیه اقدامات قانونی، اجرایی، آموزشی لازم را به عمل خواهد آورد تا از کودک در برابر کلیه اشکال خشونت جسمی یا روانی، صدمات، جراحات، بی توجهی یا رفتار توأم با سهل انگاری و سوء استفاده جنسی چه در زمان مراقبت والدین، قیمان قانونی یا هر فرد دیگر که مراقبت از کودک را برعهده دارد حمایت شود.»^(۲۷)

در این ماده، همه اشکال خشونت و رفتار تحقیرآمیز علیه کودکان در زمانی که تحت حفاظت و مراقبت از سوی سرپرستان و یا دیگران قرار دارند منع شده است. از سویی دیگر چنین حمایتی از کودکان در راستای اقدامات دولت ها در جهت ایجاد بسترها و زمینه های حفاظت و حمایت از کودکان را در تمام اشکال خشونت اعم از جسمی، روانی، بی توجهی و... صورت می پذیرد و بر این اساس دولت ها می باید در راستای حفظ احترام به کرامت انسانی کودکان در جهت محو هرگونه خشونت در هنرهای نمایشی از طریق افزایش آگاهی و اقدامات آموزشی اقدام نمایند. از جمله این اقدامات «اصلاح قوانین آموزش و پرورش همراه با افزایش آگاهی، ارائه راهنمایی و تعاریف ارزش های اخلاقی برای، مربیان [آموزش هنر] باشد، چون هدف پیش گیری و محو خشونت علیه کودکان است.»^(۲۸)

ملاحظه می شود که این مقررات با وجود حمایت های فراگیر و گسترده از کودکان، فاقد صراحت لازم و عاری از بیان معیار و ضابطه های قابل فهم و اجراست و بی گمان می توانند مورد برداشت های متفاوت و حتی معارض با مصلحت کودک قرار گیرند. البته در بند ۱ از ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک، سخن از منافع عالیه کودکان به میان آمده و بر تأمین آن در همه ی اقدامات انجام شده توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی، دادگاه ها، مقامات اجرایی یا ارگان های حقوقی شده است؛ ولی با این همه، مشخص نشده که منظور از منافع عالیه کودکان چیست و چه معیار و مقامی برای تشخیص آن وجود دارد.

۲- مقررات داخلی حقوق ایران

اگرچه اسناد بین المللی یادشده به تصویب کشور ما نیز رسیده و به نوعی در زمره منابع قانونی ما قرار می گیرند، اما قانون گذار ما نیز در پرتو جایگاه کودک و اهتمام شریعت به آن، در تبیین حقوق کودکان و حمایت از آنان و توسعه مقررات مربوط اقداماتی را انجام داده و حتی در گامی بلند قانون حمایت از اطفال و نوجوانان را تدوین و تصویب نموده است. با این همه، عدم بهره گیری از ظرفیت های فقه ناب اسلامی، ناآگاهی عمومی، عدم برنامه ریزی، فقدان معیارهای تعیین کننده و کدهای رفتاری و نیز کاستی ها و

ناهماهنگی‌های اجرایی موجب تداوم تضییع حقوق و مشکلات کودکان و آسیب‌های مختلف آنان خاصه در برابر آثار نمایشی زیان بار است.

۱-۲- قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹

بی‌شک در میان قوانین و مقررات مربوط به کودکان، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان دستاوردی مهم و برجسته محسوب می‌شود. در مورد موضوع می‌توان به ماده‌ی ۱۰ این قانون اشاره کرد که مقرر می‌کند: هرکس نسبت به طفل یا نوجوان مرتکب آزار با سوء استفاده جنسی شود، در صورتی که مشمول مجازات حد نباشد با در نظر گرفتن شرایطی مانند وضعیت بزه دیده، شرایط مرتکب و آثار جرم، به ترتیب زیر مجازات می‌شود. در ادامه در بندهای ذیل آن آمده است: ۶: در دسترس قرار دادن یا ارائه‌ی محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل به طفل یا نوجوان به یک یا چند مجازات درجه هشت قانون مجازات اسلامی. ۷: استفاده از طفل و نوجوان برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل، حسب مورد به میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مقرر در قانون مربوط. ۸: واردات، صادرات، تکثیر، انتشار، عرضه، معامله یا بارگذاری محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل که در آن‌ها از اطفال و نوجوانان بهره‌گیری شده و یا حمل و نگهداری آن‌ها به یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی.

هم‌چنین در این باره می‌توان ماده‌ی ۳ این قانون اشاره کرد که مقرر می‌کند: موارد زیر در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار دهد، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود. که از آن جمله بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی و شرعی نسبت به آنان از سوی هر شخصی که مکلف به آن است (بند الف) و سوء رفتار نسبت به طفل و نوجوان (بند ژ) بیان شده است.

۲-۲- قانون نحوه مجازات اشخاص غیرمجاز در امور سمعی و بصری (مصوب ۱۳۸۶)

در این قانون، قانون‌گذار در (ماده‌ی ۳)^(۲۹) بیان می‌دارد که هرگونه توزیع آثار سمعی و بصری غیرمجاز چه با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد و چه بدون مجوز بوده باشد جرم شناخته می‌شود. که بر مبنای این ماده می‌توان توزیع هرگونه آثار نمایشی پُرخطر علیه کودکان را جرم تلقی نمود.

از سویی دیگر در این ماده، قانون‌گذار از عبارت آثار (مستهجن) به کار گرفته شده است. این عبارت اگرچه در تبصره‌ی (۵)^(۳) این ماده تعریف شده است، اما به‌طور

غیرمستقیم می‌توان با اطلاق عبارت آثار در این ماده و تبصره آن را به هرگونه آثار نمایشی که محتوای برهنگی مرد و زن را برای کودکان به نمایش بگذارد، تسری داده و آن را یک اثر زیان‌بار برای کودکان و به تبع آن خشونت تلقی نمود.

در مجموع باید اذعان نمود که مقررات داخلی به هیچ‌روی کافی و درخور نظام حقوقی ما نیست و ابهام‌ها و خلأهای زیادی در این مورد احساس می‌شود.

نتایج

آثار نمایشی به علت تنوع، سرگرمی و جذابیت فراوانش، همواره با استقبال مخاطبان زیادی به‌ویژه کودکان همراه بوده و در دهه‌های اخیر بسیاری از آثار نمایشی بر شخصیت، رفتار و سلامت کودکان تأثیرات نامطلوبی گذاشته است که می‌توان از آن به‌عنوان آثار نمایشی زیان‌بار تعبیر نمود؛ از جمله می‌توان به ترویج خشونت، ترس و آزار روانی، بدآموزی و دگرگونی ارزش‌های اجتماعی، تضییع حق بر رشد و سلامت، تضییع حق آموزش کودک و انحرافات جنسی اشاره کرد.

در نظام حقوقی و تربیتی کودک مبتنی بر قواعد شریعت اسلام و آموزه‌های ارزشمند اهل بیت علیهم‌السلام که نظامی کامل، عمیق و بی‌بدیل است، بر پایه حفظ کرامت و مصلحت کودکان، لزوم تکریم و تربیت شایسته آنان و منع هرگونه زیان و اضرار به کودکان، تولید و پخش آثار نمایشی زیان‌بار برای کودکان حرام و ممنوع است و این حکم هم شامل متصدیان تولید و پخش این آثار، هم مسئولان رسانه‌ها و هم خانواده و دولت می‌شود.

اما برای بیان معیار و ترسیم قلمروی این ممنوعیت و محدودیت، باید مصلحت و غبطه کودک را محور قرار داد، چه براساس قواعد و موازین فقه اسلامی، همه اقدامات مربوط به کودکان، خواه امور مالی و خواه امور غیرمالی، باید در جهت حفظ صلاح و مصلحت آنان باشد. والدین، اولیا، سرپرستان، مربیان و هرکسی که به‌نوعی عهده‌دار امور کودک است باید خیر و صلاح کودک را محور اصلی و تعیین‌کننده‌ی تدابیر و اقدامات خود قرار دهد. با اذعان به این مصلحت و در نظر گرفتن منافع و مضرات آثار نمایشی، و وضعیت رشد و تکامل شخصیت کودک و با آگاهی از نیازها و شرایط سنی و روحی او، امور و مسائل مربوط به وی را تدبیر و سامان‌دهی کند؛ آن‌چه به صلاح اوست -هم‌چون برنامه‌های مناسب و آثار مفید- را فراهم نماید و آن‌چه مخالف خیر و مصلحت اوست -مانند محتوای ناشایست، برنامه‌های مضر و آثار نمایشی زیان‌بار- را منع یا محدود سازد و بی‌گمان صلاح‌اندیشی شایسته در هماهنگی با احکام شریعت و الزام‌های آن و در نظر گرفتن امور متعارف و به‌ویژه نظر خبرگان و کارشناسان شکل می‌گیرد.

در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی نیز می‌توان منع تولید و پخش این‌گونه آثار را

از برخی مقررات کلی استنباط نمود، لیکن مشکل اصلی فقدان معیارهای تعیین کننده و قابل اجراست. درحالی که روشن گردید که فقه ما ظرفیت‌های مهم و ارزنده‌ای دارد. بی‌گمان بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها و تعامل و همکاری شایسته فقیهان، صاحب نظران، نهادهای تقنینی، اجرایی و قضایی و دست‌اندرکاران حقوق کودک می‌تواند موجب رفع ابهامات و کاستی‌ها در این باره شده و در تبیین و تدوین نظام حقوقی و تربیتی جامع کودک و ساماندهی مسیر مطلوب برای رشد و سعادت کودکان ما را یاری دهد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن عباد، صاحب (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، بیروت: عالم الكتاب.
۲. ایروانیان، امیر، همراه با جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، *کودک آزاری از علت تا پاسخ دهی*، معاونت حقوقی قوه قضاییه، تهران: خرسندی.
۳. توسلی، غلام عباس و فاضل، رضا (۱۳۸۱)، *تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و رفتار والدین بر اثربخشی خشونت تلویزیونی بر رفتار کودکان*، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، ش ۳.
۴. جزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق)، *الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت*، بیروت: دارالثقلین.
۵. جعفری لنگرودی، محمد (۱۳۶۸)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
۶. حاتمی، محمد (۱۳۸۷)، *اثرات خشونت تلویزیونی بر بینندگان و عوامل مؤثر بر آن*، پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش)، دوره ۱۵، ش ۵۴.
۷. حسینی شیرازی، سید محمد (بی‌تا)، *الفقه النظافة*، بی‌جا، بی‌جا.
۸. حلی، حسن بن یوسف بن المطهر الأسدی (۱۴۱۸ق)، *قواعد الاحکام*، چ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۹. حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، چ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۰. رشیدپور، ابراهیم (۱۳۸۰)، *نظریه‌های ارتباط جمعی*، تهران: اسیم.
۱۱. پاکباز، رویین (۱۳۷۸)، *دایرة المعارف هنر*، تهران: مؤسسه فرهنگ معاصر.
۱۲. سبزواری، سید علی بن عبدالاعلی (۱۴۲۳ق)، *الاستنساخ بین التقنية و التشريع*، چ دوم، قم: دفتر سید علی سبزواری.
۱۳. سند بحرانی، محمد (۱۴۲۳ق)، *فقه الطب و التضخم النقدي*، چ اول، بیروت: مؤسسه أم القرى للتحقیق و النشر.
۱۴. سیوری حلی، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴ق)، *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع*، چ اول، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی رحمة الله علیه.
۱۵. شعیری، محمد بن محمد (بی‌تا)، *جامع الاخبار*، نجف: مطبعه حیدریه.
۱۶. حسن بن فضل طبرسی، (۱۳۷۰)، *مکارم الاخلاق*، چ چهارم، قم: شریف رضی.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۹)، *تفسیر تبیان*، ۳ جلد، قم: آل البيت عليهم السلام.

۱۸. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۲۷ق)، منیة المرید فی أدب المفید و المستفید، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۹. _____ (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، چ اول، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۰. _____ (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی- کلانتر)، چ اول، قم: کتابفروشی داوری.
۲۱. غزالی، محمد (۱۳۶۴)، المستصفی من علم الاصول، چ دوم، قم: منشورات الرضی.
۲۲. قدمی، مجید (۱۳۹۱)، نقش برنامه های تلویزیون و خشونت والدین بر رفتار خشونت آمیز دانش آموزان، فصلنامه خانواده و پژوهش، ص ۹۸.
۲۳. کشاورز، بهمن (۱۳۷۵)، آیین نگارش حقوق و کلیات علم حقوق، چ اول، تهران: جهاد دانشگاهی.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵)، الکافی، چ ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. بری گونتر و مک آلر (۱۳۸۰)، کودک و تلویزیون، ترجمه نصرت فتی، تهران: سروش.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، چ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۷. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق)، قواعد فقه، چ ۱۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، یادداشت ها، قم: صدرا.
۲۹. مریم محمودی و همکاران (تابستان ۱۳۹۵)، تنظیم هیجان در کودکان با اختلال یادگیری و کودکان عادی، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، دوره ۴، ش ۱۳.
۳۰. مقدادی، محمد مهدی (زمستان ۱۳۹۷)، بررسی فقهی حق هنر برای کودک، مجله الهیات هنر، ش ۷.
۳۱. _____ (۱۳۹۵)، بررسی فقهی حق هنر برای کودکان، فصل نامه الهیات هنر، ش ۷. (زمستان ۱۳۹۰)، جایگاه و تأثیر مصلحت در سرپرستی کودک از دیدگاه فقه و حقوق، مجله مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۴.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق)، القواعد الفقهیه، چ ۳، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۳۳. منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۲۹ق)، مجازات های اسلامی و حقوق بشر، چ ۱، قم: ارغوان دانش.
۳۴. نجفی جواهری، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چ ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، چ اول، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۶. ویمر، راجر دی، دومینیک، جوزف آر (۱۳۸۴)، تحقیق در رسانه های جمعی، ترجمه کاووس سید امامی، تهران: سروش و مرکز تحقیقات، مطالعه و سنجش برنامه ای.

37. Beland, Louis-Philippe, and Richard Murphy, 'Ill communication: Technology, distraction & student performance', Labour Economics, vol. 41, no. C, 2016, pp. 6 - 9.
38. Byron, Tanya, Safer Children in a Digital World: The Report of the Byron Review, Department for Children, Schools and Families, Annesley, UK, March 2008, p. 2.
39. Convention on the Rights of the Child, Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly, resolution 4425/ of 20 November 1989.
40. Etienne G, World report on violence and health, World Health Organization Geneva, 2015. P.169170-.
41. <https://www.raisesmartkid.com/> View in 14 Jun 2020.
42. International Covenant on Civil and Political Rights, Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966, entry into force 23 March 1976.
43. Palmer, T. with Stacey, L. Just one click: Sexual abuse of children and young people through the Internet and mobile phone technology. UK: Barnardo's. 2004. p.23
44. The Universal Declaration of Human Rights (UDHR) is a declaration adopted by the United Nations General Assembly on 10 December 1948 at the Palais de Chaillot, Paris.
45. United Nations Children's Fund (UNICEF), The State of The Worlds Children, Children in a Digital World, Op cit. P 19.

پی‌نوشت

۱. اوایل قرن بیستم با گلایه برخی از گروه‌ها و سازمان‌ها از این‌که فیلم‌های تولیدی هالیوود و برخی دیگر از کشورها برای کودکان و نوجوانان مناسب نیستند، برای نخستین بار موضوع درجه‌بندی فیلم‌ها مطرح شد و در امریکا فهرستی از فیلم‌ها و تئاترهای که برای کودکان مناسب نیستند در چند شهر از جمله شیکاگو منتشر شد و در نهایت در مجلس امریکا قانونی برای نمایش فیلم‌ها براساس محدودیت‌های سنی به تصویب رسید. در ادامه سایر کشورها هم تصمیم به اجرای قانون نمایش فیلم‌ها با محدودیت سنی بالای ۱۹ سال گرفتند. نخستین درجه‌بندی شامل سه دسته بود، رده G برای همه سنین، M با نظارت والدین و R مختص گروه سنی بالای ۱۷ سال. البته چند سال بعد این درجه‌بندی با تشکیل انجمن فیلم امریکا دستخوش تغییراتی شده است.

۲. درجه‌بندی سنی فیلم‌ها در این آیین‌نامه به شرح زیر است:

- گروه ۹+: این فیلم دارای الفاظ یا صحنه‌های نامناسب برای کودکان است و تماشای آن برای کودکان زیر ۹ سال توصیه نمی‌شود.

- گروه ۱۲+: این فیلم دارای صحنه‌های نسبتاً خشونت‌آمیز یا دلهره‌آور یا استعمال دخانیات و یا الفاظ نامناسب است و تماشای آن برای افراد زیر ۱۲ سال توصیه نمی‌شود.

- گروه ۱۵+: این فیلم دارای صحنه‌های خشونت‌آمیز، ترسناک یا استعمال مواد مخدر یا روابط خلاف عرف جامعه و یا زبان تند و نامناسب است و تماشای آن برای افراد زیر ۱۵ سال توصیه نمی‌شود.

۳. این مهم، در میثاق حقوق کودک در اسلام مورد توجه قرار گرفته و در ماده ششم آن چنین مقرر شده است: کودک از زمانی که به صورت جنین در رحم مادر است یا در صورت فوت مادر خود از حق حیات برخوردار است، سقط جنین ممنوع است، مگر در صورت ضرورت ناشی از منافع مادر، جنین یا هر دوی ایشان.

۴. پیش‌تر نیز در ماده ۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ مقرر شده است: همه اشخاصی که به سن ۱۸ سال تمام هجری شمسی نرسیده‌اند، از حمایت‌های قانونی مذکور در این قانون بهره‌مند می‌شوند.

۵. هنرهای بصری (Visual art) هنرهایی است اساساً حس بینایی را مخاطب قرار می‌دهد. رک: پاکباز، دایرةالمعارف هنر.

6. Psychological punishment.

7. desensitisation.

8. www.raisesmartkid.com/ View in 14 Jun 2020 .

9. United Nations Children's Fund (UNICEF), Child Safety Online: Global challenges and

strategies, Technical Report, Op cit. P10.

10. Byron, Tanya, Safer Children in a Digital World: The Report of the Byron Review, Department for Children, Schools and Families, Annesley, UK, March 2008, p. 2.

11. ECPAT International, Violence against Children in Cyberspace A contribution to the United Nations Study on Violence against Children, September 2005, P 30.

12. Convention on the Rights of the Child, Adopted in 20 November 1989, Article 34.

۱۳. عن رسول الله ﷺ: أَلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ وَكَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ فَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ، وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ، أَلَا فَكَلُّكُمْ رَاعٍ وَكَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ پیامبر خدا ﷺ فرمود: بدانید که همه شما مسئولید و همه شما نسبت به زیردستانش بازخواست می‌شود. فرمان روای مردم، مسئول مردم است و نسبت به زیردستانش بازخواست می‌شود. مرد، سرپرست خانواده است و نسبت به آنان، بازخواست می‌شود.

۱۴. به مقتضای «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى» آیه ۲ سوره مائده.

۱۵. تربیت طفل در فقه تحت عنوان حضانت مطرح می‌شود؛ حضانت، عبارت است از ولایت بر طفل و مجنون، به جهت تربیت او و هر آنچه به تربیت تعلق دارد؛ مثل رعایت مصلحت او، حفاظت از او، قرار دادن او در رخت خوابش، بیدار کردن او، نظافت وی، شستن لباس‌های او و غیره. (عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۸، ص ۴۲۱) حضانت، نوعی حق ولایت بر تربیت کودک است که شامل همه زوایای مادی و معنوی، روحی و جسمی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی و مانند این است. از این رو مواردی که پیش‌تر بیان شد در گستره حضانت و تربیت قرار می‌گیرد.

۱۶. به همین دلیل پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: کلکم راع و کلکم مسؤل عن رعیتة ... الرجل راع علی اهل بیتة ... فالمرئة راعية علی اهل بیت بعلها و ولده؛ یعنی همه شما نسبت به زیردست خود مسئول هستید. مرد، مسئول خانواده‌اش، زن مسئول شوهر و فرزندش است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۲، ص ۳۸) امام علی علیه السلام نیز فرموده‌اند: «علموا انفسکم و اهلیکم الخیر و ادبوه» به خود و خانواده‌تان خیر بیاموزید و آنان را تربیت کنید. (عاملی، ۱۴۲۷ق: ص ۳۸۰) و در روایتی از پیامبر خدا ﷺ آمده است: رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا اَعَانَ وَ لَدَهُ عَلِيٌّ بَرًّا بِالْاِحْسَانِ اِلَيْهِ وَ التَّالْفِ لَهُ وَ تَعْلِيمِهِ وَ تَادِيْبِهِ؛ یعنی خداوند رحمت کند پدری را که با نیکی نمودن و مهربانی به فرزندش و با آموزش دادن و تأدیبش او را در نیکی به خود یاری می‌کند. (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۶۲۶)

۱۷. لاضرر و لاضرار فی الاسلام. (کلینی، ۱۳۷۵: در منابع نیست: ج ۵، ص ۲۹۲) البته مشهور-از جمله شیخ انصاری- در مورد قاعده لاضرر قائل به نفي حکم ضرری‌اند؛ اما لازم نیست حکمی که به موجب قاعده لاضرر نفي شده، الزاماً مجعولات شارع باشد، بلکه هر چیزی است که در شریعت و جامعه اسلامی وجود دارد، خواه وجودی باشد و خواه عدمی. روشن است که ضرر همیشه از وجود حکم ناشی نمی‌شود، بلکه در برخی موارد ضرر ناشی از نبود حکم است که در این مورد برای شریعت واجب است که حکمی داشته باشد تا از آن رفع ضرر شود. از سوي دیگر باید دانست که مستند اصلي قاعده، دليل عقل است. ضرر رساندن از نظر عقلی قبیح است و این قبح از مستقلات عقلیه است، و عقل به رفع امر قبیح حکم می‌کند؛ بنابراین باید آثار ضرر برطرف گردد و برطرف شدن آثار ضرر تنها راه رفع این قبح (زشتی) است که با جبران ضرر او زیان مکان پذیر است.

۱۸. پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: أَحَبُّوا الصَّيِّانَ وَ اَزْحَمُوهُمْ ، وَ إِذَا وَ عَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فَفُؤَا لَهُمْ ، فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَزْرُقُونَهُمْ ؛ (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۶، ص ۲۹) و فرموده‌اند: مَنْ آذَى مُؤْمِنًا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَى اللَّهَ فَقَدْ آذَى اللَّهَ فَهُوَ مُلْعُونٌ. (شعیری، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۴۷) براساس يك تفسیر از آیه ۲۳۳ سوره بقره، قرآن کریم می‌فرماید: لِاتِّصَاءِ وَالِدَةٍ بِوَلَدِهَا وَ لِامُولُودُ لَهُ بِوَلَدِهِ؛ به این معنا که مادر فرزند خود را- در اثر خشمی که نسبت به پدر دارد- نمی‌تواند از شیردادن رها نکند.

19. The Universal Declaration of Human Rights (UDHR) is a declaration adopted by the United Nations General Assembly on 10 December 1948 at the Palais de Chaillot, Paris.

20. Ibid, Article 5.

21. Ibid, Article 3.

22. International Covenant on Civil and Political Rights, Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966, entry into force 23 March 1976.

23. Ibid, Article 7.

24. CCPR General Comment No. 20: Article 7 (Prohibition of Torture, or Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment), Adopted at the Forty-fourth Session of the Human Rights Committee, on 10 March 1992, Para 1 and 5.

25. Convention on the Rights of the Child, Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly, resolution 4425/ of 20 November 1989.

26. CRC, Article 19.

27. Rachel Hodgkin, Op. cit. P.251.

۲۸. عوامل تولید، توزیع، تکثیر و دارندگان آثار سمعی و بصری غیرمجاز - اعم از این که مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته و یا بدون مجوز باشند - باتوجه به محتوای اثر حسب مورد علاوه بر ابطال مجوز به یکی از مجازات های مشروحه ذیل محکوم خواهند شد: الف) عوامل اصلی تکثیر و توزیع عمده آثار سمعی و بصری مستهجن در مرتبه اول به یک تا سه سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جریمه نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت هفت سال و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و دویست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جزای نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت ده سال محکوم می شوند. چنانچه عوامل فوق الذکر یا افراد زیر از مصادیق مفسد فی الارض شناخته شوند، به مجازات آن محکوم می گردند: (۱) تولید کنندگان آثار مستهجن با عنف و اکراه؛ (۲) تولیدکنندگان آثار مستهجن برای سوء استفاده جنسی از دیگران؛ (۳) عوامل اصلی در تولید آثار مستهجن. تبصره ۱: عوامل اصلی تولید آثار سمعی و بصری عبارت هستند از تهیه کننده (سرمایه گذار)، کارگردان، فیلم بردار، بازیگران نقش های اصلی.

۲۹. آثار سمعی و بصری «مستهجن» به آثاری گفته می شود که محتوای آن ها نمایش برهنگی زن و مرد و یا اندام تناسلی و یا نمایش آمیزش جنسی باشد.